

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

نویسنده: محمد محق  
تکثیر از: یونس نگاه  
۲۳ اپریل ۲۰۲۲



یونس نگاه

محمد محق

## خون هزاره بر گردن همه ماست

بیش از چهل سال است در این سرزمین خون ناحق بر زمین می‌ریزد، و هیچ قوم و تباری از آن برکنار نمانده است، اما ظلم فجیعی که بر هزاره‌های افغانستان می‌رود وحشتناک‌ترین آن‌هاست. این را وقتی می‌توان درک کرد که نه در مسجد احساس امنیت کنی، نه در مکتب، نه در بازار و نه در خانه و هیچ جرمی نداشته باشی جز هزاره آفریده شدن و یا به مذهب شیعه بزرگ شدن. اگر نمی‌توانیم به عمق چنین وضعیت تراژیکی پی ببریم باید در انسانیت خود شک کنیم. امنیت جانی داشتن نخستین و ساده‌ترین حق طبیعی هر انسانی است و واستاندن آن از وی، ظالمانه‌ترین جنایتی که می‌توان انجام داد، به بهانه هر ایدئولوژی و به انگیزه هر اعتقادی که باشد.

باید بر این پدیده دردناک درنگی عمیق‌تر داشته باشیم و ببینیم ریشه آن‌تولوژیک آن به کجا می‌رسد.. چه چیزی سبب هستی یافتن چنین کنش معطوف به نیستی می‌شود.. چگونه این نیهیلیسم حیوانی و وحشت‌آفرین در جامعه دین عرض اندام می‌کند.. چگونه زندگی آدمیان بی‌گناه ابزار رسیدن به قدرتی کثیف و شرارت‌بار می‌شود..

بی آن‌که نقش بازی‌های استخباراتی را نادیده بگیریم و بدون آن‌که دست‌های آلوده به تباهی سیاست را انکار کنیم، باید یک گام فراتر بگذاریم، و به جای انداختن بار سنگین این مسؤولیت بر دوش این و آن، همه ما سر در گریبان خوشتن کنیم و پرسیم که آیا هر یک از ما سهمی در این وضعیت نداریم؟ آیا روزی از خود پرسیده‌ایم که در خانه به فرزندان خود چه درسی از همدیگر پذیری و دیگر نهراسی داده‌ایم؟ آیا در مساجد ما روزی از برابری و برادری انسان‌ها بدون تفکیک شان بر پایه دین و مذهب گفته شده و درس محبت با همه مخلوقات خدا داده شده است؟ آیا در مکاتب ما از زشتی و پلشتی تبعیض و مظاهر آن در زندگی اجتماعی سخنی به میان آمده و تمرینی برای نوع‌دوستی بی قید و شرط انجام یافته است؟ آیا سیاستمداران ما از این‌که برای رسیدن به قدرت به ترندهای کثیف قوم‌گرایی متوسل شوند روزی عرق

خجالت بر جبین شان نشسته و با خود اندیشیده‌اند که چگونه کار در پیکر هزارزخم این مردم سیروز فرو کرده‌اند؟ آیا علمای ما از رافضی خواندن و مبتدع شمردن طرف مقابل دست کشیده و به غیر اخلاقی بودن این روش پی برده‌اند؟ آیا رهبران مذهبی هر دو طرف به ضرورت به تاریخ سپردن کتاب‌های آلوده به عفونت فرقه‌گرایی آگاه شده‌اند؟ آنچه ریختن خون هزاره را تسهیل می‌کند همه این‌هاست.. داعش و طالب تنها نوک این کوهی است که از اقیانوس نفرت دینی و تعصب مذهبی بیرون زده است!

عده‌ای به صورت بی‌شرمانه جنایت در حق هزاره‌ها را واکنشی به فاطمیون و زینبیون می‌شمارند!! این چه توجیهی احمقانه‌ای است؟ کودکی که در دشت برچی به آموزش‌گاه می‌رود و پیرمردی که در مزار برای ادای نماز به مسجد، چه ربطی به یک مشت مزدور در آن سر دنیا دارند؟ در کدام دین و آئین گناه مجرمان را از بی‌گناهان می‌پرسند؟

اگر برآستی نمی‌خواهیم این روزگار تلخ برای هزاره‌های ما ادامه یابد و هیچ کدام ما نمی‌پسندیم که خود روزی در مقام اقلیتی مذهبی یا تباری مورد قساوت جلادانه دیگران قرار بگیریم، باید از خویشتن آغاز کنیم. باید تقصیر خود را در برچیدن این بساط خون‌آلود به دوش بگیریم. باید برای بستن دهن‌هایی که نفرت‌پراکنی قومی یا مذهبی می‌کنند، از هر طرف که باشد کمر ببندیم. به مدرسه‌هایی که روحیه فرقه‌گرایی و تعصب مذهبی دارند کمک نکنیم و در ریختن خون بی‌گناهان سهیم نشویم. باید انتقام سنی‌های مظلوم ایران را از شیعه‌های مظلوم افغانستان بگیریم. باید دعوای سوریه و عراق و یمن را به خاک خود نکشانیم. باید بدانیم که هیچ دین و آئینی بالاتر از جان آدمی و هیچ مذهب و مکتبی مقدس‌تر از زندگی انسان‌ها نیست. تنها معیار اخلاقی برای ارزیابی و ارزش‌یابی هر کیش و آئینی میزان تعهد آن به حفظ جان و حراست از زندگی است. نه شیعه بودن جرم است و نه سنی بودن.. نه مسلمان بودن بد است و نه نامسلمان بودن.. آنچه بد است و از هر بدی بدتر است غیر انسانی عمل کردن و به درنده‌خوئی روی آوردن است.. آنچه مایه شرمساری است ویران کردن خانه‌ها و به اندوه نشانیدن خانواده‌هاست.. باید به انسانیت پاکیزه از تعصب و تبعیض برگردیم و خدا را تنها از این راه بجوئیم..